

نگارش : آقای م . اورنگ

بقیه از شماره قبل

آئین درخت کاری در ایران باستان

درخت کاشتن پادشاهان هخامنشی

از دو تن نویسنده آگاه و دانا شنیدم که هرودوت نوشته است که پادشاهان هخامنشی در هنگام زائیده شدن فرزندان بنام هر کدام از آنان درخت می کاشتند و هنگامی که این فرزندان به پنج شش سالگی میرسیدند ، این درخت ها را بآنان نشان میدادند که خودشان آنها را پیوراندند و هر سال هم يك درخت بکارند و باز درختها بیفزایند .

اگرچه من نتوانستم خوب بررسی کنم بینم این سخنان در کدام يك از بخشهای کتاب هرودوت است ولی در جلد سوم ایران باستان گرد آورده شادروان پیریا . از رویه ۱۵۰۲ بیلا ، درباره درخت کاری بدست کوروش کوچک بسخنان بسیار شیرین و دلکش و شنیدنی برخورد کردم که از گفته های وابسته به هرودوت پشتیبانی میکند و آنرا استوار نشان میدهد .

در این کتاب از کتاب گزنفون سخنانی درباره آبادی کشور بدست پادشاهان هخامنشی از راه کشاورزی و درخت کاری یاد می کند که نوشتن همه آنها سخن را بدرازا می کشاند .

بنابراین بهتر است چکیده آنها را که بویژه درباره درخت کاری و پدید آوردن باغ زیبا و با شکوه بدست کوروش کوچک است یاد کنیم .

چیکیده گفته های گزنفون بدینگونه است :

خود پادشاه پارس به برخی از بخشهای کشورها رهسپار میشود و در آنها گردش

میکنند و بر پاره‌ئی جاها هم گماشتگان درستکار میفرستند تا خوب بررسی کنند و چگونگی کارها را بویژه از راه آبادی و کشاورزی و درخت کاری باو گزارش بدهند. اگر ببینید در سرزمینهای درختهای زیاد و بویژه درختان بارور کاشته شده، باستاندار یا فرماندار و یا بخشدار آنجا پاداش میدهد، کرسی‌های برجسته باو میبخشد و جاهای دیگری را هم در فرمان او میگذارد و اگر کارها را جز این ببیند، آن فرمانروا یا سرپرست را از آنجا بر میدارد و کسی دیگر را بجایش میگذارد. در هر جا که شاه ماندنی باشد و یا بهر جا که برود، کوشش میکند که در آنجا باغبائی باشد پراز چیزهایی زیبا که زمین میدهد. این باغها را پردیس (Paradis) مینامند. اگر هوا خوب باشد، پادشاه بیشتر زندگی خود را در این باغها بسر میبرد. برخی گویند هنگامیکه شاه میخواهد پادشاهی بدهد، نخست کسانی را فرا میخواند که در جنگها دلوری از خود داده‌اند و شایستگیهای بدست آورده‌اند. دوم کسانی را میخواند که زمین را آباد کرده‌اند.

هنگامیکه لیزاندر سردار سپاهیان اسپارتی با ارمنانهای هم پیمانان نزد کوروش (کوروش کوچک) رفت، کوروش باغ خود را درسارد باو نشان داد.

چون لیزاندر زیبایی باغ را دید و اینکه بلندی همه درختها یکسان است و در یک رده کاشته شده و کشته‌های (خطوط) گوشه‌های راست پدید می‌آورند و در هنگام گردش هوای خوشبو بدماغ میرسد، به کوروش گفت من از زیبایی این باغ در شگفتم ولی شگفتی من بیشتر از آن کسی است که اندازه گرفته و این رده بندی را پدید آورده. کوروش را سخنان او بسیار خوش آمد و گفت:

ای لیزاندر، همه این کارها را خودم کرده‌ام و بویژه برخی درختها را هم خودم کاشته‌ام.

لیزاندر به کوروش نگاه کرد. به جامه گرانبهایش، به زیبایی زنجیرهایش به یارها و دیگر زیورهایش نگاه کرد و گفت:

چه میگوئی که برخی از این درختها را خودت کاشته‌ئی !
 کوروش پاسخ داد ای لیزاندر . به میتره (مهر) سوگند هنگامی که تندرست
 هستم هیچگاه تا کنون بر سفره ننشستم مگر اینکه باندازه‌ئی کار سربازی یا کشاورزی
 و باغداری کرده باشم که عرق در من پدید آمده باشد .

دل‌بستگی داریوش بدرختکاری

در کتاب (ایران) گرد آورده : گرشمن فرانسوی ، سخنان زیادی در باره
 دل‌بستگی پادشاهان هخامنشی به پیشرفت کشاورزی و درخت کاری یاد شده که بانوی
 دانشمند ماه ملک بهار آنها را بیرون آورده و در دسترس من گذاشته‌اند . نوشتن همه
 آنها سخن را بیش از این بدازا می‌کشاند .

بنابراین از میان آنها تنها آنچه را که وابسته به درخت کاری است با سخن کوتاه
 و ساده یاد می‌کنیم و از نوشتن گفته‌های دیگر چشم می‌پوشیم .
 چکیده این گونه سخنان بدینسان می‌باشد :

داریوش (۴۸۶ - ۵۲۲) دل‌بستگی فراوانی به درخت کاری داشت و بویزه
 پروراندن نمونه‌ها و نهالها را سفارش میکرد .
 در پیشینه‌هایی که بدست آمده ، نامه‌ئی از اوبیکی از ساتراپهایش بنام گاداتاس
 دیده میشود .

در این نامه داریوش به ساتراپ نامه برده دستور میدهد که گیاهان خاوری (شرقی)
 و درختها را به آسیای کوچک و سوریه ببرد و در آنجاها بکارد و بنشانند .
 داریوش در نامه خود چنین مینویسد :

من پیشنهاد و رایزنی شمارا می‌ستایم . زیرا شما با برنامه‌ئی که در دست دارید
 کشور مرا با کاشتن درختان میوه آنسوی فرات در سرزمین‌های دور دست آسیا بسوی
 پیشرفت میبرید . .

جشن درخت کاری

در این بخش از گفتار خود ، بکرشته سخنان تازه تر و سودبخش تری از يك نویسنده ژرف بین یاد می کنیم و کم کم گفتار خود را به پایان می رسانیم .

این نویسنده که از آن یاد کردیم ، اردشیر جهانیان است که در دیماه ۱۳۴۱ در مجله شماره (۱۰) هوجت گفتار شیزینی در باره درخت و درخت کاری و جشن درخت کاری نوشته است که اینک چکیده‌ئی از آن را با سخن کوتاه و ساده یاهیکنیم: آنچه‌آنکه در ناهه‌های باستانی نوشته ، نخستین درخت سرو بدست شت زرتشت پیامبر بزرگ ایران در جلو آتشکده شاهی در بلخ کاشته شد و سپس کاخی بلند در پیرامون آن بنیاد گردید .

با این روش ، آئین درخت کاری ارزش زیاد بدست آورد ، و این جنبش ، پایه آبادانی را در جهان استوار ساخت .

از اینها گذشته در داستان امشاسپندان هم که پایه‌های پیشرفت و خوشبختی است ، با درخت گل بر حورد می‌کنیم و به ارزش درخت کاری و گل کاری پی می‌بریم . داستان نگاهداری برسم امروزه در میان زرتشتیان به پیکره گل و شاخه‌های سبز در آمده بویژه در جشنها در روی میز و سفره دیده میشود .

میتوان گفت نگاهداری درخت کاج در برگذاری جشن کریسمس نیز از آئین ایران باستان گرفته شده است .

ایرانیان پیشین در هنگام زائیده شدن فرزند نوزاد ، درختی در خانه و درخت دیگری در باغ همگانی بنام آن نوزاد میکاشتند و آن کودک را کم کم یاد آور میشدند که آن درخت وابسته باوست و باید خودش از آن نگاهداری کند .

با این راه و روش ، از کودکی دلبستگی پیدا کردن به درخت ، در اندیشه و روان آنان پیدا میشد و مایه افزایش درخت میگردید .

دیگر اینکه دستور این بوده هر کس ندانسته دروغ بی زیان بگوید و یا این که پرندۀ خانگی و بویژه خروس را سرببرد ، باید در برابر آن درخت یا درختانی در جای ویژه‌ئی بکارد و همچنین اگر کسی درخت را می برید ، می بایست در برابر آن درخت دیگری بکارد و آنرا بیوراند .

در ایران باستان سالیانه دو جشن برای درخت کاری برپا میشد .

یکی در سوم آذرماه که بنام جشن آذرگان یا آذر جشن است .

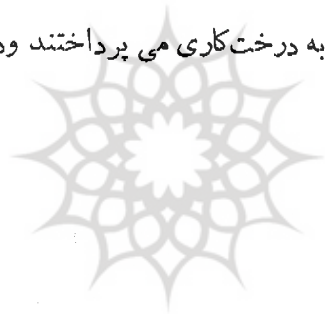
دیگری جشن اسپندگان یا اسپند جشن در پنجم اسفند ماه آنرا جشن درخت

کاری نیز میگفتند .

در این دو ماه و دو جشن به درخت کاری می پرداختند و در برابر این کارشادمانیها

می کردند .

پایان



ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی
تنبیه

مردمان را عیب نهانی پیدا مکن که مرایشان را رسوا کنی و خود را بی اعتماد. هر که در حالت توانائی نیکوئی کند در حال ناتوانی سختی نه بیند . هر چه زود بر آید دیر نپاید .

(سعدی)